

بیمه و ریسک تروریسم (قسمت اول)

ترجمه : محمود حق وردیلو

معاون اداره نظارت بر سرمایه گذاری ها و دارایی ها

بیمه مرکزی ایران

Sup - Inv@Continsur.ir

به قربانیان این حمله و بستگان آنها معطوف می گردد. این مقاله راجع به تروریسم یا کوششی در تشریح دلایل پشت این پدیده و یا درصدد بحث در مورد راهکارهای موثر جهت از بین بردن آن نمی باشد، بلکه به عواقب احتمالی تروریسم یعنی ریسک های تروریستی می پردازد.

بخش اول در برگیرنده کاربردی نظام مند از اصول مدیریت ریسک است و کابوس تروریسم و این موضوع را که ریسک های تروریستی چگونه توسط بیمه گران و بیمه گران اتکایی شناسایی، ارزیابی و کنترل می شوند، بررسی می کند.

بخش دوم در ارتباط با انتقال ریسک است،

این مقاله که به بیمه و تروریسم می پردازد در دو بخش ارائه می شود. در بخش اول کلیات و مفاهیم اساسی در بیمه تروریسم و در بخش دوم مسائل فنی و تخصصی در این زمینه مورد بررسی قرار می گیرند.

زمانی که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مرکز تجارت جهانی فرو ریخت، مرکز شهر نیویورک به لرزه درآمد. ابتدا برج جنوبی و ۲۹ طبقه پس از آن برج شمالی فرو ریخت. خیابان های من هتن (Manhattan) در آشوب محض فرورفت. تصاویر ۱۱ سپتامبر بسیار آزاردهنده هستند. تمرکز این مقاله بر روی زیان مادی به وجود آمده از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و عواقب و پیامدهای آن برای صنعت بیمه است. در ابتدا افکار

یعنی بیمه پذیری. باید توجه داشت که حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بعدی کاملاً جدید را برای ریسک تروریسم پدید آورده که قبلاً به طور خودکار به عنوان بخشی از بیمه اموال تحت پوشش بیمه قرار می گرفت. این مسئله نیاز به بررسی مجدد موضوع بیمه پذیری را که در قرن نوزدهم مطرح شده بود، آشکارتر می کند.

بخش اول - تروریسم چیست ؟

واژه تروریسم به معنی به کاربردن خشونت جهت حصول به اهداف معین است. کسانی که مرتکب چنین حملاتی می شوند، خود را تروریست نمی نامند. آنها خود را صرفاً سربازان یا جنگجویانی می بینند برای آرمان خویش، آرمانی که گاهی حتی از حمایت برخوردار می شود. حمله کنندگان و قربانیان در اینکه یک حمله معینی حمله ای تروریستی است یا شکل دیگری از خشونت هرگز به اتفاق نظر دست نمی یابند. زیرا همواره وقایع فردی را از زوایای متضادی می نگرند. از نقطه نظر قربانیان، تروریسم در برگیرنده فعالیت های غیرقانونی خشونت آمیز در برابر نظم موجود سیاسی و اجتماعی است که دقیق و مخفیانه برنامه ریزی شده و به طور کلی مردم را تحت تاثیر قرار می دهد.

این تعریف متناسب با اصول دموکراسی است که به موجب آن دولت حق منحصر به فرد استفاده از زور را برای خویش محفوظ نگه می دارد که از این طریق اتباع خویش را متعهد به حل هر نوع تضاد از طریق غیرخشونت منطقی می نماید. در صورتی که

تنها دولت توسط مجموعه های اجرایی از قبیل پلیس یا ارتش مجاز به استفاده از زور در برابر افراد است، که فقط به منظور حفظ نظم عمومی و امنیت می باشد که در قانون تصویبی طراحی شده است. بنابراین هر نوع عمل خشونت آمیزی که توسط دولت مجاز دانسته نشده، غیرقانونی است.

تروریسم به واسطه قصد آشکار در تاثیر بر عموم مردم متفاوت از جنایت خشونت آمیز معمولی است. تروریسم حمله ای است که هدف آن القای ترس و ناامنی در جامعه می باشد و نیز موافقت حامیان را برای حمله کنندگان جلب می نماید. جانیان عادی علاقه ای به این دو عامل ندارند. خشونت تروریستی هرگز خودجوش و فوری نیست، بلکه نتیجه برنامه ریزی دقیق و هدفمندانه است.

ساختار سازمان های تروریستی، تروریسم را از مبارزه آشکار جدا می کند. هسته ها یا گروههای تروریستی خیلی کوچک تر از آن هستند که وارد نبرد آزاد شوند. در نتیجه فعالیت های آنها همواره مخفیانه و زیرزمینی است. به هر حال همیشه این خطر وجود دارد که سازمان های زیرزمینی به عنوان دستاویزی در نزاع میان دو دولت به کار روند.

تروریسم می تواند به روش های بسیار زیادی توصیف گردد. حتی می توان تروریسم را به نژاد، ریشه قومی و ملیت گرایی منتسب نمود یا آن را با آرمان های سیاسی، مذهبی، ایدئولوژیکی که با آن ارتباط دارد، برابر نمود. زیرا این موارد نیز پسندیده

تروریست ها مورد حمله قرار گرفته بود و نشانه های نمادین خاص آمریکایی به عنوان اهداف احتمالی نیز شناسایی شده بودند. بنابراین حمله به مرکز تجارت جهانی (WTC) به عنوان ریسک نمی تواند استثنا گردد.

پاسخ خیر، زیرا مردم معتقدند که یک چنین حمله بی رحمانه مستقیمی به عموم مردم به سادگی اتفاق نمی افتد. این اعتماد شالوده کنش متقابل اجتماعی در بین ملت ها و افراد است. بدون این اطمینان متقابل، هر غریبه ای یک دشمن احتمالی بوده و بنابراین تهدیدی بالقوه محسوب می شود. حمله تروریستی حمله ای هدفمند به امنیت عمومی است، در حالی که ایجاد و حمایت از امنیت عمومی یکی از وظایف کلیدی یک (دولت) جامعه محسوب می شود. تروریسم تنها می تواند در مکان هایی که مردم احساس امنیت می کنند به اهدافش دست یابد - با تخریب اطمینان مردم به دیگران، جامعه و به ویژه حمایت و منافع ارائه شده توسط دولت جوامع آزاد بیشتر در معرض ریسک حملات تروریستی هستند زیرا یکپارچگی آنها نه بوسیله اعمال زور و فشار بلکه با ارزش های اساسی و قوانین ارائه دهنده امنیت، فراهم می گردد.

چگونه ریسک های تروریستی مورد ارزیابی

قرار می گیرند ؟

تروریسم متفاوت از ریسک های نرمال است به گونه ای که تجربه های خسارت نمی توانند درامداد

و مورد استقبال هستند. تروریسم نه یک ویژگی معین است و نه به خودی خود پایانی، بلکه یک روش معین برای پایان (هدف) است.

ریسک های تروریستی چگونه شناسایی

می شوند ؟

جنبش تروریستی اغلب ریشه در انتقاد به توازن موجود قدرت دارد. چنانچه این انتقادات نادیده گرفته شوند مخالفت شکل می گیرد. اگر فردی در کسب اثر مطلوب ناکام بماند، ممکن است گروه های انشعابی افراطی شکل گیرند و به کانون های تروریستی تبدیل شوند. (گرچه این حالت تا امروز استثنا بوده است). این هسته های تروریستی قبل از نمایاندن خویش در مقابل دیدگان عموم، با تهدید به خشونت و با ایجاد یک سری حملاتی که معمولاً منجر به ایجاد خسارت های مادی می گردند فعالیت خود را شروع می کنند.

در این نقطه است که آن تهدید مشخص برای هر کسی واضح و آشکار است. قبل از این نقطه تنها کسانی که به شدت خودشان را با فعالیت های سیاسی این چنینی درگیر کرده بودند و به طور مستمر فعالیت های آنها را تعقیب می کردند ممکن بود از تهدید مطلع باشند. این موضوع منجر به این سوال می شود :

آیا حادثه ۱۱ سپتامبر قابل پیش بینی بوده است ؟ پاسخ هم بلی می باشد و هم خیر. پاسخ مثبت به دلیل اینکه مواضع آمریکایی ها در گذشته توسط

یک مسیر خطر تخمین زده شوند. تواتر و شدت حملات آینده احتمالاً به طور ناگهانی تغییر می کند. با این وجود تروریسم به هیچ وجه تصادفی نیست. برنامه و عمل تروریست ها مطابق منطق خودشان، بر مبنای حملات و زیان و خسارت انسانی که آنها ایجاد می نماید عملی نیست که خود به خود جالب و مهم باشد بلکه روشی برای کسب هدف تلقی می شود. هدف آنان ارسال امواج شوک در سراسر جامعه، ایجاد تسزلزل در پایه های آن و ایجاد عدم امنیت است. با انجام چنین اقداماتی حمله کنندگان امیدوارند تا در جامعه تغییر ایجاد نمایند. در نهایت با دنبال کردن این منطق بی رحم، این امکان وجود دارد تا احتمال مرتبط با وقوع سناریوهای متفاوت مورد ارزیابی قرار گیرد، برای مثال به منظور تشخیص این که کدام اشخاص، گروه ها یا نهادها بیشتر در معرض ریسک هستند. ارزیابی ها با استفاده از یک مدل ریسکی که توسط سوئیس ری بسط پیدا کرده، تسهیل می یابند و عوامل زیادی را در سه عامل عمده گروه بندی می کنند:

الف) اهداف تروریست ها

ب) پتانسیل تروریست ها

پ) آسیب پذیری جامعه مورد حمله

اهداف تروریست ها می تواند از انگیزه های آنها مشتق شود. در حالی که ممکن است انگیزه های آنها از نظر قربانیان- خوب باشد، ولی اهداف آنها همواره بد است. زیرا آنها جهت جلب توجه نسبت به

آرمان هایشان از خشونت استفاده نموده، ناامنی را در بین عموم انتشار داده، موقعت سیاسی را متزلزل می کنند و قصد تضعیف و در حالت افراطی حتی تخریب جامعه ای معین را دارند پتانسیل تروریست ها به برخی عوامل مانند منابع تکنیکی، سازمانی و مالی و به ویژه ساختار ذهنی و عزم آنها بستگی دارد. آسیب پذیری جامعه مورد هجوم توسط ثبات فنی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن تعیین می گردد. به عبارت دیگر، آسیب پذیری جامعه به واسطه خسارت حمله ای با بزرگی معین، با پیامدهای احتمالی و روشی که جامعه تحت حمله با آن موقعت برخورد می نماید، شروع می شود.

پتانسیل تروریست ها و آسیب پذیری جامعه تحت حمله در نهایت احتمال زیان انسانی و خسارت مالی را آشکار می سازند که تروریست ها در بدترین حالت قابل تصور می توانند ایجاد کنند. با ترکیب نمودن اهداف تروریست ها و آسیب پذیری جامعه تحت حمله، می توان از ابعاد خسارت هدف اطلاعاتی به دست آورد، یعنی زیانی را که تروریست ها جهت به دست آوردن تاثیر سیاسی مورد نظر ضروری می پندارند.

در منطق تروریست ها، هرچه ثبات جامعه تحت هجوم بیشتر باشد، آزار و اذیت دردناک تری باید صورت پذیرد. اهداف تروریست ها و پتانسیل آنان تواتر احتمالی حملات را مشخص می سازند.

تروریست ها جهت تحقق اهدافشان

جدایی ناپذیر هستند، را اشاعه می دهند. هدف تروریستی همیشه یکی است و آن ایجاد تغییر در نظم موجود در جامعه است. همچنین هدف عمده تروریسم نیز همواره یکی است؛ وادار نمودن نمایندگان یک نظام اجتماعی در اقدام به چیزی که باعث ایجاد تغییر در افکار عمومی در جهت منافع تروریست ها نسبت به دولت می گردد. حمله کنندگان همگی از این حقیقت که اعمال آنها غیر اخلاقی و غیر قانونی محسوب می شود، کاملاً آگاهند. هدف آنها نمایاندن خودشان به مخالفان حتی زشت تر و غیر قانونمندتر از آنچه که هستند، می باشد.

در قرن گذشته گروه های تروریستی اغلب سعی در اثر گذاری حملات خویش داشتند. آنها مجبور بودند جهت اعمال فشار بر دولت به منظور پاسخگویی در مقابل درخواست حمایت اتباع خویش به اندازه کافی قوی باشند، اما نه چندان ویرانگر که دولت را جهت مقابله به مثل با تمام نیرو توجیه نماید. اولین موفقیت تروریست ها زمانی خواهد بود که منازعه ای سیاسی در جامعه تحت حمله در خصوص چگونگی برخورد و پاسخ به تهدیدهای تروریسم به راه اندازند. به هر حال از زمان پایان آخرین تضاد شرق و غرب، سیستم های سیاسی ملی به طور فزاینده ای توسط ساختارهای بین المللی و جهانی تحت الشعاع قرار گرفته اند. به همان نسبت، به طریقی مشابه گروه های تروریستی زیادی در قرن بیستم سعی کردند تا جامعه خویش را تقسیم نمایند.

هرچند بار که لازم باشد، حمله خواهند کرد، اما این امر آشکارا بیشتر از چیزی است که غالباً قادر به انجام آن هستند. اولین پیامد عملی این الگو آن است که جهت ارزیابی ریسک های تروریسم فقط تجزیه و تحلیل پتانسیل تروریسم کافی نیست، یعنی برای مثال بحث در خصوص اینکه آیا یک گروه تروریستی قادر به بکار انداختن سلاح های کشتار جمعی است، کافی نیست. اهداف تروریست ها موضوعی کلیدی است. بنابراین در ارزیابی چنین ریسک هایی، پیش زمینه مرتبط با گروه می بایست دقیقاً ارزیابی شود تا شناختی از منطق آنها به دست آید، گر چه ممکن است این کار پیچیده به نظر برسد.

ریسک های تروریستی چگونه تغییر می یابند؟

آیا ریسک های تروریسم تغییر یافته اند؟ قبل از تلاش در پاسخ گویی به این سوال ابتدا باید به تکامل عوامل ریسک فردی بنگریم.

در حال حاضر انگیزه های پشت سازمان های تروریستی از ایده آل های "ایجاد آسمان در زمین" از طریق "حمایت از حیوانات در برابر آزمایش های علمی و پیچیده" به "دفاع از مردم سالاری در برابر تکنولوژی های جدید و جهانی سازی اقتصاد" امتداد می یابد. تمام این موارد در نهایت انگیزه های سیاسی هستند.

این موضوع همچنین در حالتی است که بنیادگرایان مذهبی افراطی، مدل غیرسکولاری از جامعه را که در آن مذهب و سیاست یک کل

اکنون بعضی از گروه های جدید در تلاش جهت تخریب وحدت بین دول به منظور شکستن قدرت آنها می باشند. در نتیجه اهداف تغییر یافته اند؛ تروریسم جدید یا بین المللی دیگر فقط در برابر نظام های ملی یا اجتماعی مبارزه نمی کند، بلکه در مقابل دنیای غرب، ارزش ها و عقایدش می جنگد. حملات بر ضد ملل پیشرو صنعتی دنیای غرب صورت می گیرد.

بزرگی صدمه و زیانی که تروریست ها درصدد ایجاد آن هستند نیز احتمالاً در حال افزایش است. در حالی که تروریست های ملی سنتی بیشتر در تلاش جهت محدود کردن صدمات غیرنظامی هستند. دلایل دشواری وجود دارد که تروریست های بین المللی عمداً گروه های ویژه ای از جمعیت غیر نظامی را مورد هدف قرار می دهند.

در آینده تروریست ها به تلاش و تحمیل مصائب تا سرحد امکان به جامعه ای که بدان حمله می کنند، خواه با صدمه زدن به قربانیان بی شمار، تخریب سمبل های مهم یا ایجاد زیان مادی یا اقتصادی که در مقیاس ملی اثرگذار است. بنابراین می توان فرض کرد که تروریست ها . البته نه آنهایی که حمله ۱۱ سپتامبر را سازماندهی کردند، بلکه دیگران . سعی در ایجاد خسارتی دارند که به تدریج موجب بروز تجاوز بر مبنای "سراغاز عصبانیت" گردد، یعنی نقطه ای که در آن دولت تحت حمله، تحریک به مقابله به مثل با چنان نیرویی شود که

دیگر ملل آن را تایید نکنند، تا از این رهگذر در بین هم پیمانان موجود شکاف ایجاد نماید.

این وخامت میزان زیان عمودی به وضوح ریسک های تروریسم را فراتر از پتانسیل گروه های تروریستی که خود نیز در حال ازباده شدن، افزایش می دهد. در حال حاضر ممکن است سازمان های تروریستی تقریباً دسترسی آسانی به مقادیر زیادی از مواد رادیواکتیویته داشته باشند، به عنوان نمونه، مقداری که می توانند برای ساخت بمب های مخرب به کار برند.

به هر حال، تروریسم از سلاح های پیچیده جهت کشتن هزاران تن از مردم، وارد کردن شوک به تمام ملت و انداختن اقتصاد جهانی در یک دور تسلسل استفاده نمی کنند. همان گونه که در حادثه ۱۱ سپتامبر مشخص شد، کافی است از سیستم تکنولوژیکی با انرژی زیاد همچون هواپیما، قطار یا وسائل حمل مواد شیمیایی به عنوان سلاح سوء استفاده شود.

هر اثر زیانباری که می تواند به وسیله یک حادثه ایجاد شود . گرچه غیر ممکن باشد . می تواند با مصادره سیستم تکنولوژیکی مربوطه یا از کنترل خارج نمودن آن توسط تروریست ها، ایجاد شود. تروریست ها میزان تخریب حملاتشان را اندازه گیری می کنند. تاریخ نشان می دهد که تا به حال میزان خسارت های عمودی تنها بخشی از خسارت فنی و تدارکاتی بوده که می توانسته صورت بگیرد.

در این ارتباط، مشروح برنامه های حمله ها نبایستی در معرض عموم مورد بحث قرار گیرد. جهت ارائه ایده ای از اهمیت احتمالی، به یک مثال معروف اشاره می کنیم.

تروریستی که آماده کشته شدن برای رسیدن به آرمانی است، ممکن است قادر به پخش مقادیر زیادی از زباله رادیو اکتیو در خیابان های یک شهر و آلوده کردن کل آن شهر در عرض چند ساعت باشد.

هر گاه این قبیل حملات ویران کننده انجام شود، فقط در مورد قصد و نیت آن تردید وجود دارد. امکانات فنی و تدارکاتی نقش فرعی را به عهده دارند. تاکنون حملات "موفقیت آمیز" تروریستی تنها با استفاده از ساده ترین روش های ممکن توصیف شده اند و عامل مسلم اثر بخشی آنان، عزم و اراده حمله کنندگان می باشد که اغلب مرز جنون است، به ویژه اگر آنها جهت رسیدن به آرمان خویش آماده مرگ باشند.

ریسک های تروریستی چگونه باید مورد بررسی قرار گیرند؟

بر مبنای عوامل شناخته شده و قضاوت به وسیله مباحث رایج در بین کارشناسان، پرسش این نیست که آیا در آینده حمله های تروریستی انجام خواهد شد یا نه، بلکه بیشتر زمان و مکان حملات مطرح است. با توجه به منطبق تروریسم، میزان زیان ها رو به افزایش است. این موضوع حتی مستلزم پتانسیل

ویژه تروریستی بالا نیست. با استفاده از ساده ترین روش ها، تروریست ها می توانند در موقعیتی قرار گیرند تا هر ساختمان یا کارخانه صنعتی را تخریب نمایند. برای مثال اگر آنها اجتماعات بزرگ را هدف قرار دهند، قادر به انهدام کل یک منطقه و کشتن دهها هزار هستند. میزان واقعی توسط عامل "زمان" محدود شده است. به ندرت ممکن است حملات تروریستی، در عرض مدت زمان کمی تکرار شود. زیرا دولت تحت حمله به سرعت پاسخ می دهد و هرچه خسارت بزرگتر و شدیدتر باشد، مقابله به مثل هم شدیدتر خواهد بود.

بنابراین بعید به نظر می رسد حمله ای همانند ۱۱ سپتامبر در عرض چند ماه تکرار شود. با این وجود، زمان تکرار یک تا دو سال قابل تصور است.

سه سناریو که عوامل ویژه ایجاد نگرانی هستند، عبارتند از:

۱. وقوع همزمان حملاتی با مقیاس وسیع شبیه به ۱۱ سپتامبر

۲. حمله ای با تأثیر بیشتر از حادثه ۱۱ سپتامبر
۳. واکنش افراطی توسط یک سازمان تروریستی خطرناک در شکلی از عمل خودکشی با هدف ایجاد حداکثر خسارت ممکن در آخرین بار "خروج با صدای انفجار".

در بهترین حالت، هر نوع حفاظت واقع گرایانه و اقدامات دفاعی ممکن است از احتمال وقوع چنین

تولید تصاویری با تأثیر فراوان می باشد، همانند آنهایی که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ کل جهان را در وحشت فرو برد.

در این عصر ارتباطات وسیع، هدف و نوع حمله ها به گونه ای انتخاب می شوند تا تضمین کنند که عواقب و تأثیرهای آنها همانند پخش زنده تلویزیونی انتشار یابد.

تروریست ها از میان اهدافی که بر طبق این منطق مناسب هستند، آنهایی را انتخاب می کنند که برای صدمه زدن توسط منابع فنی و سازمانی که در اختیار دارند، راحت ترین باشند.

ریسک های تروریستی چگونه کنترل می شوند؟

تروریست ها به وسیله انگیزه ها و ادعاهایی که سیاستمداران باید بر آنها تأثیر گذاشته و سر و کار داشته باشند برانگیخته می شوند. مسئولیت تضعیف پتانسیل تروریستی بر دوش دولت است، تمام آن چیزی که مردم می توانند انجام دهند حمایت خود در مقابل حملات تا جایی که به طور واقع بینانه ای ممکن و قابل تحمل، باشد همچنین تلاش همزمان جهت کنترل حساسیت زیان خویش در این ارتباط، همین اصول در پیامدهای مستقیم و غیر مستقیم حملات تروریستی همانند هر واقعه زیان آور دیگری کاربرد دارند.

این هدف می بایست طوری باشد که در برگیرنده خسارتی که به وسیله تفکیک وابستگی های

وقایعی بکاهد، ولی میزان بالقوه خسارت ها را کاهش نمی دهد. چه کسانی می توانند توسط ریسک های تروریستی درشت تر تحت تأثیر قرار گیرند؟

هر فردی و هر چیزی، صرف نظر از اینکه در کجا قرار دارد، می تواند به سادگی قربانی یک حمله تروریستی گردد. زیرا آنها یا به طور اتفاقی در "خط آتش" هستند یا به وسیله پیامدهای غیر مستقیم تحت تأثیر قرار می گیرند. نکته دیگر از مفهوم تروریسم، این است که چرا هیچ فرد یا هدفی از حمله ها و تأثیر آنها در امان نیست، می باشد.

اهدافی که تروریست ها آشکارا برای حملات خویش انتخاب می کنند، توسط سه عامل تعیین می شوند. جذابیت هدف، سعی و تلاش مورد نیاز و روش مخصوص آنها این سه عنصر به نوبه خویش توسط سه عامل اصلی تحت تأثیر قرار می گیرند.

از نقطه نظر یک تروریست، هدفی جذاب است که تخریب آن به اندازه "مطلوب" به جامعه صدمه زده و شوک وارد نماید. جهت حصول این امر نظام اجتماعی مدنظر هدف باید اهمیت سمبولیک مستحکمی داشته و بین حامیان جنبش تروریستی که نگران درک جامعه از پیام پشت حمله می باشند، شناخته شده باشد.

دومین معیار مهم جهت انتخاب هدف، شگرد تروریست ها و به ویژه مالکیت عمومی حمله های تروریستی است. تروریست ها همواره جهت حمله به عموم از انزوای خویش خارج می شوند. هدف آنها

فنی و اقتصادی و ایجاد سیستم های اضطراری موثر و مدیریت بحران ایجاد می شود؛ باشد.

سیستم هایی از این قبیل وجود داشتند و به دنبال حادثه ۱۱ سپتامبر با قاطعیت در جهت محدود نمودن شمار قربانیان مشارکت کردند. سرانجام، آخرین خط دفاع روح جامعه است یعنی ویژگی انسان در همکاری کردن در زمان نیاز.

بیمه تحت شرایط معینی می تواند مشارکت نماید که در بخش های آتی تشریح خواهد شد. بیمه می تواند در بخشی از زیان ایجاد شده توسط حمله های تروریستی در بین هر تعدادی از افراد که ممکن باشد، کمک نماید.

جواب های ساده یا راه حل های آماده ای وجود ندارد.

الگوی عامل ریسک که بیان شد، بیانگر این است که تروریست ها بر طبق منطق خودشان باید جهت تشخیص، تجزیه و تحلیل، کنترل و انتقال ریسک های تروریسم، عمل کنند.

این مدل در حالی که برای محاسبه ریسک های تروریسم مناسب نیست، انعکاس سازمان یافته تروریسم را تسهیل می کند. همچنین جهت کمک به تصمیم گیری در خصوص اینکه آیا اقدامات حمایتی جاری برای جامعه کافی است یا اینکه به حفاظت فردی بیشتر یعنی اقداماتی که به طور کلی به کار نمی روند، نیاز می باشد زیرا به کیفیت زندگی لطمه وارد نموده و مانع آزادی

حرکت ها و جنبش ها می شوند. هم در ارزیابی ریسک ها و هم در تصمیم گیری در خصوص اقداماتی که باید انجام شود، مشورت با خبرگان و متخصصان این امر بسیار مهم است، خواه مشورت با سازمان های عمومی یا شرکت های خصوصی دارای یک پیشینه مسلم.

اگرچه به هر حال حمایتی که توسط برخی اقدامات فراهم گردیده خیلی محدود می باشد. چالش اصلی از یک طرف نیفتادن در دام انکار یا سرکوب تهدید و از طرف دیگر عدم اشاعه ترس می باشد، ولی در هر حادثه ای عوامل و مکانیزم های مرتبط می بایست به تجزیه و تحلیل معقول و جستجو برای راه حل هایی که با احتیاط انجام می گیرد، منوط گردد. این رویکرد می تواند نقش کلیدی در ممانعت تروریسم در حصول به اهدافش بازی کند.

پاسخ های آسان یا آماده وجود ندارد. به رغم این، تروریسم به هیچ وجه تصادفی نیست، هر چند که منطق منحرف خویش را دنبال می کند. توانایی درک این منطق اولین گام به طرف اداره بهتر ریسک های تروریسم است، گرچه به طور کلی آنها از بین نمی روند.

ولاگان کلیدی:

مفاهیم اساسی در بیمه تروریسم، حمله تروریستی، پتانسیل تروریسم.

منبع:

www.Swissre.com